

# اثرات اقتصادی- اجتماعی طرح های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی شهرک نازدشت سریشه در استان خراسان جنوبی)

دکتر مفید شاطری<sup>۱</sup>

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی و عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند

محمد حجی پور

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

## چکیده

امروزه در کشور طرح های اسکان اقدامی در جهت بهبود کیفیت زندگی خانوارهای عشایری است که اسکان عشایر در نازدشت شهرستان سریشه نیز از آن جمله می باشد. در این مقاله با بررسی و مقایسه تغییرات شاخص هایی چون درآمد، پس انداز، سواد و امکانات رفاهی نسبت به قبل از اسکان، به دنبال یافتن اثرات اسکان در ابعاد اقتصادی و اجتماعی زندگی عشایر در کانون اسکان، نازدشت بوده ایم. این پژوهش بر مبنای هدف از نوع تحقیقات کاربردی است که بر مبنای ماهیت و روش از شیوه توصیفی- تحلیلی بهره گرفته و در نیل به اهداف تحقیق از تکنیک های اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. نتایج نشان می دهد تغییرات در میزان درآمد خانوارها و به تبع آن پس انداز سالیانه آنان رشد قابل ملاحظه ای نداشته و بلکه زندگی عشایر در قبل از اسکان دارای بهره وری اقتصادی بالاتری بوده است. با انجام اسکان دسترسی به امکانات رفاهی نسبت به قبل بسیار رشد داشته که به دنبال آن سطح سواد نیز افزایش یافته است. در واقع اثر اسکان در میزان باسواد، غیرمستقیم می باشد.

واژگان کلیدی: اسکان، نوسازی، درآمد، پس انداز، سواد، امکانات رفاهی، نازدشت.

## مقدمه

انسان در طول تاریخ تاکنون سه نظام اجتماعی با اوضاع و شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی گوناگونی را تجربه نموده که به سبب توانایی محدود نظام قبلی در رفع نیازها و ارضاء خواسته‌های بشر، نظام اجتماعی جدید پا گرفته است. در حال حاضر زندگی عشایری و شیوه کوچ‌نشینی به عنوان اولین نظام اجتماعی جامعه بشری در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی خود با افول مواجه می‌باشد.

با این وجود اهمیت کارکردی این شیوه از زندگی در کشوری همچون ایران قابل توجه و تأمل بوده که در بیان وجهی از این اهمیت می‌توان به نقش زندگی عشایری و بویژه اقتصاد آن (دامداری) در اقتصاد ملی اشاره داشت، چرا که آنان از مراتع پراکنده و دورافتاده و دور از دسترس روستائیان برای مصرف دام‌ها استفاده می‌نمایند (اولیایی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۴) که این خود سبب رونق دامداری، بهبود در دستیابی به مواد لبنی و گوشتی و در نهایت رشد اقتصاد ملی می‌گردد.

از سوی دیگر زندگی عشایری به مراتب نسبت به دو نظام روستائینی و شهرنشینی با دشواری بیشتری همراه می‌باشد که از سوی برنامه‌ریزان و متخصصین مربوطه به منظور ارتقاء کیفیت این شیوه از زندگی، راهبردهای گوناگونی ارائه گردیده است. از جمله راهبردهایی که در گوشه و کنار کشور به مرحله عملیاتی و اجرا درآمده اند، اسکان عشایر می‌باشد که از آغاز قرن بیستم اقدامات پر دامنه و گاه خشونت‌آمیزی از سوی حکومت‌ها جهت اسکان آنان اعمال شده است (سو، ۱۳۸۰، ص ۵۸).

طرح‌های اسکان در پی اهدافی همچون برقراری عدالت، بهبود توسعه انسانی، پایداری محیطی و افزایش رفاه و رضایت‌مندی آن بخش از افراد جامعه که کوچ‌نشین می‌باشند، به اجرا درآمده اند. گفتنی است در ایران اسکان عشایر تنها به خواست برنامه‌ریزان و با اهداف یاد شده، نبوده چرا که عواملی چون عمده شدن درآمد نفتی در اقتصاد ملی، واردات مواد غذایی، توسعه شهرنشینی، افزایش فرصت‌های شغلی در شهرها و... زمینه‌های روی‌آوری به اسکان و مهاجرت به شهرها را چه خود جوش یا بی‌برنامه و یا با برنامه فراهم کرده است. اسکان جامعه کوچنده به‌گونه درون‌زا و خودجوش و یا برنامه‌ریزی شده توسط دولت، با تحولاتی اساسی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی و زیستی زندگی عشایر همراه است (توکلی و ضیاء توانا، ۱۳۸۸، صص ۵۴-۵۵). اسکان عشایر در شهرک نازدشت شهرستان سریش از جمله طرح‌های اسکان عشایری است که ضمن دسترسی به پاره‌ای از اهداف، می‌توان پیامدهای منفی‌ای را نیز برای آن برشمرد.

در مقاله حاضر این سوال اساسی مطرح است که با اسکان عشایر در نازدشت، چه تغییراتی در ابعاد اقتصادی - اجتماعی زندگی آنان در قیاس با پیش از اسکان حادث گردیده است؟ که به دنبال آن، سوالات ذیل مطرح نظر می‌باشد:

- چه تغییراتی در میزان درآمد ناخالص و پس انداز سالیانه خانوارهای عشایری نسبت به قبل از اسکان حاصل شده است؟

- اسکان عشایر به چه میزان در رشد باسوادی آنان اثرگذار بوده است؟

- آیا اسکان عشایری باعث تغییراتی در دسترسی به امکانات رفاهی گردیده است؟ مطالعه و بررسی ابعاد اثرگذاری طرح های اسکانی که در گذشته انجام گرفته اند، از دو جنبه دارای اهمیت می باشند: اول این که به شناخت ضعف و نقایص موجود به منظور چاره جویی و ارائه راهکارهای مناسب در این زمینه منتهی می گردند، دوم با بررسی همه جانبه می توان زمینه روشنی را برای طرح هایی از این دست که در آینده از اهداف اجرایی مدیران و دست اندرکاران مربوطه می باشد، فراهم ساخت. لذا تحقیقاتی از این دست دارای اهمیتی کاربردی و ضرورتی آشکار می باشند.

در راستای تحقق هدف اصلی، اهم اهدافی را که دنبال خواهیم نمود، بدین شرح اند:

- برآورد و مقایسه میزان درآمد ناخالص و پس انداز سالیانه خانوارهای عشایری در قبل و بعد از اسکان.
  - بررسی تطبیقی وضعیت سواد عشایر در قبل و بعد از اسکان.
  - بررسی تطبیقی دسترسی به انواع امکانات آموزشی، بهداشتی و خدماتی در قبل و بعد از اسکان.
- در راستای تبیین سوالات تحقیق و متناظر با آنها، فرضیات ذیل مطرح می شود:
- اسکان عشایر نقش بسزائی در افزایش میزان درآمد و پس انداز سالیانه خانوارهای عشایری داشته است.
  - اسکان عشایر نقش فزاینده ای در رشد باسوادی آنان داشته است.
  - اسکان عشایر باعث بهبود در دسترسی به امکانات رفاهی شده است.

#### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

##### اسکان

تغییر شیوه معیشت عشایر و هدایت آنها در جهت جذب در روستاها و شهرها است که در حاشیه این نواحی با حفظ شیوه معیشت سابق صورت می پذیرد و همچنین اسکان عشایر در روستاها و بکارگیری آنها در واحدهای دامداری و صنعتی نوبنیاد نیز انجام می شود (شاهنوشی، ۱۳۶۹، ص ۷۳).

منظور از اسکان همان عشایر متمایل به اسکان که در یک نقطه استقرار می یابند و از لحاظ اقتصادی و اقلیمی به آن محل وابسته می شوند، اما قادر خواهند بود برای تکمیل امرار معاش خود در دیگر نقاط نیز فعالیت کنند (حیاتی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۴).

در بیان دلایل و ضرورت اسکان، از سوی موافقان آن دو دیدگاه کلی قابل تشخیص می باشد:

الف- برخی داری رویکردی افراطی اند که معتقدند زندگی کوچ نشینی در جامعه کنونی با توجه به ویژگی های صنعتی و بعضاً فرا صنعتی اش، یک نظام اجتماعی فلج و ناتوان و سدی بر سر راه رشد و توسعه اند که بایستی خاتمه یابد.

ب- گروهی معتقدند که جماعت های عشایری در مرحله گذار از کوچ نشینی به یکجانشینی قرار دارند که سیاست ها و برنامه ریزی ها بایستی در راستای تسهیل گری در این روند باشند و افرادی چون ابن خلدون، اسکان را حرکتی به سوی شهرنشینی می دانند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۵).

اسکان عشایر، نوعی تغییر و تحولات (تطورات) در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی، نهادی و... جامعه مذکور می باشد که بادر نظر گرفته جوامع روستایی و شهری به عنوان درجاتی از تکامل، می توان اظهار داشت اسکان به لحاظ ماهیت، حرکتی تکاملی است. از این رو در چهارچوب دیدگاه های ذیل می توان به بررسی آن پرداخت:

### دیدگاه های تغییرات اقتصادی

امروزه اصلی ترین هدف از تغییرات و رشد در اقتصاد، رسیدن به توسعه است. مایکل تودارو در تعریف توسعه بیان می دارد که آن جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (تودارو، ۱۳۶۷، ص ۱۳۶). از طرفی زیربنا و قالب فکری بسیاری از نظریه پردازان توسعه، اندیشه نوسازی می باشد (پاپلی و ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۷۳). نوسازی فرآیندی است که جوامع را به دو گروه سنتی و مدرن تقسیم می نماید که دسته اول از ویژگی هایی همچون بی سواد، کم بازده، بسته بودن اجتماع، خانواده های گسترده و... برخوردار بوده و دسته دوم دارای ویژگی هایی کاملاً متضاد آن هستند که جوامع عشایری در گروه اول قرار دارند و با انجام اسکان (فرآیند نوسازی) وارد مرحله گذار می شوند. فرانسیس آبراهام معتقد است فرآیند نوسازی، فرآیندی پیچیده و چند لایه برای توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... است (Abraham, 1998, p5). همچنین راجرز، نوسازی را جریانی می داند که طی آن روش زندگی سنتی افراد یک جامعه به سیستمی پیچیده تر و از نظر تکنیکی پیشرفته تر و مترقی تر تحول می یابد (ازکیا، ۱۳۷۰، ص ۲۵).

افرادی چون آیزنشتات معتقدند که نوسازی از درون گروه های قبیله ای، جوامع دهقانی، روستایی و با میزان متفاوت شهرنشینی آغاز می شود (کرمی و فنایی، ۱۳۷۳، ص ۴۷). رابرت وارد، نوسازی را حرکتی به سوی جامعه نو تعریف می کند (Ward, 1963, p59). ویلبرت مور در تعریف نوسازی می گوید: «نوسازی دلالت بر دگرگونی کامل یک جامعه سنتی و یا ماقبل مدرن به یک جامعه با انواع تکنولوژی و سازمان اجتماعی مربوط به آن دارد.» ( Moor, 1963, p89).

### دیدگاه های تغییرات اجتماعی

تعریف فرهنگ جامعه شناسی (۱۹۷۶) از مفهوم کلی تغییر چنین است: تغییر شامل حرکت، تبدیل، تعدیل و روشن شدن است (لهسایبی زاده، ۱۳۸۳، ص ۴۵). روشه جامعه شناس فرانسوی درباره تغییرات اجتماعی معتقد است که آن بیشتر تغییرات قابل مشاهده و قابل بررسی در زمان کوتاه را شامل می شود. چنان که یک مشاهده گر می تواند در طول حیات یا حتی در دوره کوتاهی از زندگی خویش، نحوه رشد آن را ملاحظه کند و سیر یا فرجام آن را ببیند (توسلی، ۱۳۸۷، ص ۶۵).

تغییرات اجتماعی در هر جامعه ای در دو صورت کلی انجام می پذیرد: بی برنامه و خودجوش و دیگری برنامه ریزی شده. در حال حاضر برای مطالعات مربوط به اسکان عشایر، تغییرات اجتماعی برنامه ریزی شده قابل توجه بوده چرا که در دهه های اخیر اسکان عشایر بوسیله برنامه ریزی از پیش تعیین شده ای که دولت آنرا طراحی نموده است،

صورت می‌گیرد. در تعریف تغییرات اجتماعی با برنامه، آمده است که: کوشش‌های عمومی، آگاهانه و یکدست سازمان‌های ایجاد کننده تغییر برای بهبود عملکرد نظام های اجتماعی (واگو، ۱۳۷۲، ص ۲۶۸).

از نظریه پردازان به نام مکتب نوسازی، می‌توان به ردفیلد اشاره نمود که وی جوامع را در جریان دگرگونی اجتماعی، به دو دسته قومی با خصوصیات چگون کوچک، منزوی، بدون سواد متجانس و...، و شهری به عنوان قطب مقابل جامعه قومی، تقسیم می‌کند.

اسم‌ساز نیز از دیگر نظریه‌پردازان نوسازی، معتقد است تغییر و جریان نوسازی روی تفکیک کارکردی متمرکز شده و فرآیندی است که در آن واحدهای اجتماعی مستقل و تخصصی شده به جای واحدهای قبلی استقرار می‌یابند (ازکیا، ۱۳۶۹، صص ۳۸-۴۰).

در نهایت می‌توان گفت اسکان عشایر، فرآیندی در جهت نوسازی و توسعه جوامع عشایری است. لذا در این جریان، تغییرات گوناگونی در ابعاد مختلف جامعه بروز می‌نماید که بسته به دو مقوله مهم دیدگاه و عملکرد برنامه‌ریزان در طرح، نتایج متعددی حادث می‌گردد که از جمله آن می‌تواند مهاجرت و یا تثبیت جمعیت عشایری باشد.

بررسی‌ها نشان داد مطالعات و ارزیابی‌هایی که از سوی نهادهای مربوطه، از طرح‌های اسکان در استان خراسان جنوبی صورت گرفته است، رضایت‌بخش و مطلوب نیست و تنها طرح‌های قابل ذکر، طرح مطالعات مکان یابی و پتانسیل‌های اسکان در بارنجگان توسط سازمان عشایری استان و دیگر، ارزیابی پروژه‌های اسکان کل استان می‌باشد که در مرحله مطالعاتی به سر می‌برد.

غلامرضا باژیان و دیگران (۱۳۸۵) با مقایسه اقتصادی کوچ و اسکان عشایر در دشت بکان فارس دریافتند که پروژه اسکان عشایر سود آور بوده و می‌تواند به عنوان یک گزینه پایدار در نظر گرفته شود.

محمد حسن ضیاءتوانا و جعفر توکلی (۱۳۸۶) تحقیقی پیرامون اسکان عشایر و تخریب مراتع در استان چهارمحال بختیاری داشته‌اند که در این تحقیق با تکیه بر یافته‌های زیست محیطی، اسکان جامعه کوچ رو را بررسی کرده و نتایج بدست آمده حاکی از آن است که به‌رغم کاهش دام خانوارهای مورد بررسی، شاخص‌های کیفی مدیریت مرتع روند نامطلوبی یافته و در نتیجه تخریب مراتع پیرامون سایت اسکان، تشدید شده است.

مسعود مهدوی و دیگران (۱۳۸۶) با پژوهشی تحت عنوان روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن، دریافتند که روستاهای جدید با چالش‌هایی چون سستی همکاری دستگاه‌های اجرایی در زمینه اسکان، ناتوانی مدیریت این روستاها و مشارکت اندک مردم در فرآیند اسکان روبرو هستند.

جعفر توکلی و محمد حسن ضیاءتوانا (۱۳۸۷) به بررسی پیامد های فضایی اسکان در استان چهارمحال بختیاری در شهرک‌های شرمک، چلگرد و لشر پرداخته‌اند و نتایج بدست آمده نشان می‌دهد اسکان در سایت‌ها، خطر حوادث طبیعی را افزایش داده است و میان سایت‌ها تفاوت فاحشی به لحاظ نگه داشت جمعیت وجود دارد.

محمد عبداللهی (۱۳۸۷) با تحقیقی پیرامون اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان در ایران دریافت الگوی برخورد دولت‌های مدرن با جامعه سنتی عشایری مبتنی بر امکان‌شناسی صحیح اسکان و توسعه نبوده، بلکه بیشتر

جنبه سیاسی داشته است. از دیگر پژوهش‌هایی که در این زمینه توسط صاحب‌نظران انجام گرفته، می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

سیامک زند رضوی (۱۳۷۲) ایلات و عشایر کرمان: پیشینه تاریخی و مسئله اسکان؛ بخشنده (۱۳۷۳) زمینه‌های اشتغال در اسکان عشایر؛ سید حسن حسینی ابری (۱۳۷۳) مروری بر منطقه کوه‌رنگ در رابطه با اسکان عشایر؛ محمد باقر بهشتی (۱۳۷۷) دیدگاه عشایر آذربایجان شرقی در مورد کوچ و اسکان؛ مجتبی قدیری (۱۳۷۸) عشایر دشت مغان از کوچ‌روی تا اسکان؛ فرخ کفیل زاده و دیگران (۱۳۸۱) اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان یافته: مطالعه موردی ایل کرد؛ جلال الدین رفیع فر با همکاری رضا قربانی ریگ (۱۳۸۶) تغییرات فرهنگی از کوچ به اسکان: نمونه موردی عشایر تالش در طول سه نسل؛ محمدرضا رضوانی و مسلم دریکوند (۱۳۸۷) بررسی و ارزیابی کانونهای ساماندهی و اسکان عشایر-آثار و پیامدها: مطالعه موردی کانون کمری شهرستان ازنا.

#### مواد و روش‌ها

این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی است که به منظور پیشبرد آن از دو روش اسنادی و پیمایشی بهره جسته‌ایم. در روش اسنادی به مطالعه و بررسی کتب، مجلات و دیگر اسناد مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته شده و در روش پیمایشی از تکنیک‌های مشاهده مستقیم، مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه استفاده شده است. آزمون فرضیات و تجزیه و تحلیل و استنتاج نهایی داده‌های مورد نظر به کمک نرم افزار آماری spss صورت گرفته است. بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، روستای نازدشت دارای ۱۶۶ خانوار می‌باشد که به منظور پرسشگری، نمونه انتخابی به طور تصادفی و با حجم ۱۰۱ خانوار از فرمول کوکران بدست آمده است.

#### معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرک نازدشت از روستاهای دشت حسین‌آباد غیناب، واقع در دهستان مومن‌آباد از توابع بخش مرکزی شهرستان سربیشه می‌باشد و شهرستان سربیشه نیز یکی از قطب‌های استقرار عشایر در استان خراسان جنوبی به شمار می‌آید. دشت حسین‌آباد غیناب به دلیل مجاورت و نزدیکی با کشور افغانستان و استان سیستان و بلوچستان، مدتی از سال در معرض فرسایش شدید ناشی از بادهای ۱۲۰ روزه سیستان (خردادماه الی مهرماه) می‌باشد که وزش این بادهای، همه ساله سبب وارد آمدن خسارات قابل توجهی به پوشش گیاهی، مزارع و محصولات کشاورزی در این دشت می‌گردد. میزان متوسط ساعات آفتابی در این ناحیه بیش از ۳۰۰۰ ساعت در سال است و همچنین متوسط نزولات آسمانی ۱۳۰ میلیمتر، متوسط درجه حرارت سالانه آن ۱۷ درجه سانتیگراد و درجه حرارت حداکثر ۴۴/۵ درجه سانتیگراد و حداقل ۱۶- درجه سانتیگراد می‌باشد (محمودآبادی و هراتی، ۱۳۸۹، صص ۲-۳). از حدود ۱۰ سال قبل ۶ طایفه عشایری به نام های گُرد، آذری، ناد، ملکی، سلیمانی و محمد ابولی در شهرک نازدشت اسکان یافته‌اند. جدول شماره ۱۱ اطلاعات مربوط به سیر تحولات جمعیتی در شهرک نازدشت را نشان می‌دهد:

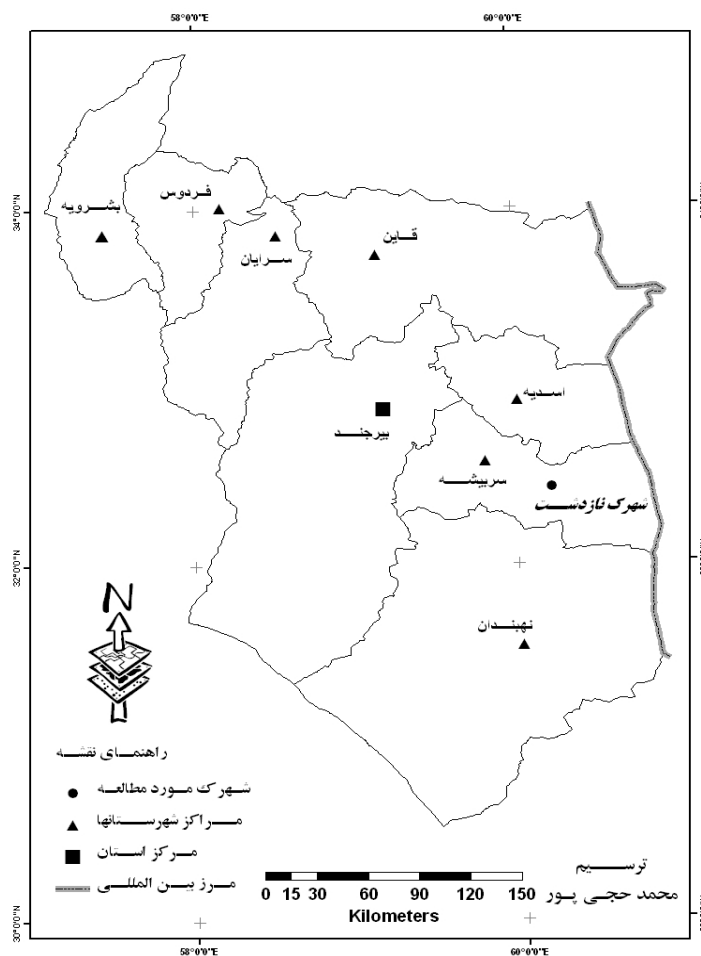
جدول شماره ۱: سیر تحولات جمعیتی شهرک نازدشت از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۸

سال	تعداد خانوار	کل افراد	بعد خانوار	نرخ رشد (درصد)
۱۳۶۵	۲۶	۱۱۹	۴/۶	-
۱۳۷۵	۳۷	۱۶۵	۴/۶	۳/۳
۱۳۸۵	۱۶۶	۷۴۳	۴/۵	۱۶/۲
۱۳۸۸	۱۴۷	۷۰۸	۴/۸	-۰/۵

منابع: فال سلیمان، ۱۳۸۸، ۲۰-۱۳۸۸؛ مرکز آمار ایران، اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

در نقشه شماره ۱ موقعیت شهرک مورد مطالعه در شهرستان سریشه و استان خراسان جنوبی نشان داده شده است:

نقشه شماره ۱: موقعیت شهرک نازدشت شهرستان سریشه و استان خراسان جنوبی



منبع: معاونت برنامه ریزی استانداری خراسان جنوبی، ۱۳۸۴.

### یافته های تحقیق

#### ۱- اشتغال، درآمد و پس انداز:

اساس اقتصاد زندگی کوچ نشینی بر پایه دامداری است که به فعالیت های اقتصادی دیگری چون زراعت، باغداری، صنایع دستی و فعالیت های فرعی نیز اشتغال دارند (مشیری و مولایی، ۱۳۸۶، صص ۴۵-۴۶) که این فعالیت ها بیشتر در راستای تقویت و حمایت از دامداری بوده است. عشایر اسکان یافته در نازدشت نیز پیش از اسکان از این قاعده کلی

تبعیت نموده اند. در بخش دامداری عمده تولیدات آنان شامل تهیه مواد لبنی، گوشت، پشم و مو بوده است که از پشم و مو با روش‌های سنتی نخ مورد نیاز تولید گلیم، جاجیم و بعضاً قالبیافی را تهیه می‌نموده‌اند. در حدود ۶۸٪ خانوارهای عشایری پیش از اسکان در کنار دامداری، به کشت و زرع نیز مشغول بوده‌اند که با تولید محصولات عمده ای چون گندم و جو، نیاز غذایی خود و دام را تأمین می‌کرده اند. در جریان فعالیت‌های مذکور، تمامی افراد خانوار (از کودکان ۷الی ۸سال به بالا) به طور مستقیم یا غیرمستقیم در اقتصاد خانوار نقش داشته و به بیان دیگر همه آنان در ارتباط با دامداری در درون جامعه عشایری، دارای شغلی بوده اند.

پس از اسکان عشایر در نازدشت، عمده فعالیت‌هایی چون زراعت، کارگری و دامداری در جریان است که به ترتیب ۶۱/۳، ۵۰/۵ و ۲۸/۹ درصد از خانوار بدان اشتغال دارند. در بخش زراعت، عمده ی تولیدات شامل گندم، جو، چغندر قند، یونجه، چغندر علوفه‌ای، هندوانه و خربزه می باشد که گندم با ۱۷۲ هکتار و جو با ۶۱ هکتار بیشترین سطح زیرکشت را به خود اختصاص داده اند (فال سلیمان، ۱۳۸۸، ص ۱۷۳). پایین بودن میزان اشتغال در بخش دامداری نسبت به دو بخش زراعت و کارگری، در پی دو دلیل عمده می‌باشد:

الف- با اسکان عشایر و تغییر شیوه معیشت، بخش کثیری از جمعیت عشایری جذب فعالیت‌های زراعی گردیده، ب- ممنوعیت چرای دام در مراتع پیرامونی و نزدیک شهرک به سبب انجام پروژه جهانی ترسیب کربن<sup>۱</sup>.  
به دنبال کاهش رونق دامداری و ورود تکنولوژی در بخش زراعت، بسیاری از افراد به ناچار جذب فعالیت‌های کارگری زراعی، ساختمانی و... در درون روستا و یا خارج از آن (در شهرهای سریشه، بیرجند و نهبندان) شده اند. همچنین حضور زنان نیز در فعالیت‌های اقتصادی نسبت به قبل از اسکان بسیار کم‌رنگ‌تر شده است. از عوامل بسیار مهم و اثرگذار در تداوم حیات هر نظام اجتماعی، میزان درآمدی است که افراد از فعالیت‌های اقتصادی به دست می‌آورند. همچنین درآمد ناشی از فعالیت‌های اقتصادی، اثر روشن در تعدد اشتغالات هر خانواری دارد. بدین سان هزینه و درآمد ناخالص هر خانوار از مجموع فعالیت‌های اقتصادی در قبل و بعد از اسکان در نازدشت، در جدول شماره ۲ نشان داده شده است:

جدول شماره ۲: مقایسه هزینه و درآمد مجموع فعالیت‌های اقتصادی خانوارهای عشایری نازدشت در قبل و بعد از اسکان (مبالغ به ریال)

قبل از اسکان		بعد از اسکان	
هزینه	درآمد ناخالص	هزینه	درآمد ناخالص
۲۱۵۰۰۰۰	۷۰۰۰۰۰	۵۵۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰

منبع: یافته‌های میدانی نگارنده

۱- پروژه ترسیب کربن از سوی UNDP و GEF با همکاری دولت به منظور کاهش اثرات گازهای گلخانه‌ای بر روی زمین از اواسط سال ۲۰۰۳ در دشت حسین آباد غیناب شروع شده است و هم اکنون نیز در حال انجام می‌باشد.



به منظور مقایسه دقیق تر و تغییرات درآمدی خانوارهای عشایری قبل و بعد از اسکان و همچنین تبیین عملی تفاوت در دو مقطع یادشده، در جدول شماره ۳ نسبت هزینه - درآمد خانوارهای عشایری از مجموع فعالیت های اقتصادی در قبل و بعد از اسکان محاسبه گردیده است:

جدول شماره ۳: مقایسه شاخص های نسبت هزینه - درآمد خانوارهای عشایری در قبل و بعد از اسکان در نازدشت

شاخص / مقطع	CBR	BPV	CPV	r
پیش از اسکان	۳/۳	۲۳۶۴۸۶۴/۹	۷۲۶۳۵۱/۲	٪۱۴
پس از اسکان	۲/۷	۵۰۶۷۵۶۷/۵	۱۸۵۸۱۰۸/۱	٪۱۴

منبع: محاسبات محقق

در جدول فوق r نرخ تنزیل، CPV ارزش خالص هزینه ها و BPV ارزش خالص درآمد می باشد که براساس محاسبات صورت گرفته میزان CBR یا همان نسبت هزینه - درآمد برای پیش از اسکان ۳/۳ و بعد از اسکان ۲/۷ بدست آمده و به نوعی بیانگر این واقعیت می باشد که بهره وری اقتصادی زندگی عشایر پیش از اسکان در سطح بالاتری بوده است. البته بایستی توجه داشت که در مرحله گذار جوامع از سنتی به مدرن، هزینه های زندگی ناشی از بهره گیری از تکنولوژی های مربوطه، به شدت افزایش می یابد و شاید یکی از دلایل این وضعیت نیز در همین موضوع نهفته باشد.

به تبع این موضوع می توان انتظار داشت میزان پس انداز سالیانه خانوارهای عشایر اسکان یافته در نازدشت نسبت به قبل از اسکان در سطح پایین تری باشد که طبق بررسی و نظرسنجی انجام گرفته، این فرض ثابت می شود چرا که در حدود ۸۵٪ از خانوارها اظهار داشته اند میزان پس انداز سالیانه آنان نسبت به قبل کاهش یافته است.

## ۲- سواد

مطالعات نشان داد پیش از اسکان ۳۲٪ از کل جامعه عشایری دارای سواد تا سوم ابتدایی بوده اند. عمده افراد با سواد پیش از اسکان، تحصیل کردگان کلاس های نهضت سوادآموزی می باشند که تا مقطع پنجم ابتدایی، دختران و پسران به صورت برابر امکان تحصیل داشته اند. پس از پایان مقطع دبستان تنها برای معدود پسرانی امکان ادامه تحصیل در مقطع بالاتر فراهم بوده است.

براساس آمار سال ۱۳۸۸، جمعیت زیر ۶ سال نازدشت ۱۰۸ نفر و بالای ۶ سال ۶۰۰ نفر بوده است که از مجموع افراد بالای ۶ سال، ۱۲۱ نفر بیسواد و ۴۷۹ نفر دارای سواد در مقاطع مختلف بوده اند (فال سلیمان، ۱۳۸۸، صص ۵۵-۵۹) در جدول شماره ۴ تعداد افراد باسواد در مقاطع تحصیلی مختلف بیان شده است:

جدول شماره ۴: سطح تحصیلات باسوادان در سال ۱۳۸۸

نام شهرک	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	دانشگاهی
نازدشت	۳۴۶	۱۰۷	۲۳	۳

منبع: فال سلیمان، ۱۳۸۸، ص ۵۹.

براساس جدول فوق، بیشتر جمعیت نازدشت دارای تحصیلاتی در سطح ابتدایی می باشند که دلیل آن سوادآموزی تعداد زیادی از والدین و سالخوردگان شهرک در پیش از اسکان است و علت عمده کاهش تعداد افراد در مقطع راهنمایی، حذف گروه والدین و سالخوردگان از این دسته می باشد. همچنین کاهش تعداد افراد در مقاطع دیپلم و

دانشگاه به دلایلی چون نبود دبیرستان در روستا، ممانعت از فرستادن دختران و بعضاً پسران برای ادامه تحصیل و شرایط نامساعد مالی خانوارها بر می گردد.

### ۳- امکانات رفاهی

پیش از اسکان، دسترسی به امکانات رفاهی در محل، در مقایسه با زمان حال دارای شرایط نامطلوبی بوده، چراکه با نبود امکانات بهداشتی و خدماتی مواجه و تنها کلاسهای نهضت سوادآموزی به عنوان یک جزء از امکان آموزشی، شرایط دسترسی بدان فراهم بوده است. آنان به منظور دسترسی به امکاناتی چون پزشک، داروخانه و... مجبور به طی مسافت ۱۱۰ یا ۵۰ کیلومتری تا شهرهای سرپیشه و بیرجند با حداقل امکانات حمل و نقلی بوده اند.

در حال حاضر امکان دسترسی به امکاناتی از قبیل موارد ذیل در شهرک نازدشت فراهم می باشد:

- امکانات آموزشی: دبستان، راهنمایی، رادیو و تلویزیون.

- امکانات بهداشتی: خانه بهداشت، آب لوله کشی، حمام بهداشتی، غسالخانه بهداشتی.

- امکانات خدماتی: جاده آسفالت، برق، تلفن، پست بانک، آرایشگاه زنانه، آرایشگاه مردانه، مسجد.

طبق اظهارات ساکنین شهرک و نظرسنجی صورت گرفته، دسترسی به امکانات نسبت به قبل اسکان رشد زیادی داشته و ۹۵٪ از ساکنین، از امکانات موجود رضایت کامل دارند. لذا با توجه به امکانات مطروحه، در خصوص آزمون فرضیات می توان گفت:

فرضیه اول: اسکان عشایر نقش بسزائی در افزایش میزان درآمد و پس انداز سالیانه خانوارهای عشایری داشته است.

با توجه به مقدار  $p.value$  به دست آمده از آزمون  $T$  مستقل (هرچند که علم بر این موضوع می باشد که میان میزان درآمد قبل و بعد از اسکان یک دوره ۱۰ تا ۲۰ ساله فاصله زمانی و نرخ تورم دارای اثر بوده) که برابر ۶۳۲٪ می باشد و از آنجا که این مقدار بیش از ۰/۰۵ است، فرض  $H_0$  یعنی برابری میان میانگین های درآمد و پس انداز خانوارها در قبل و بعد از اسکان اثبات می شود، از این رو فرض  $H_1$  یا همان فرضیه اول تحقیق، تایید نمی گردد.

فرضیه دوم: اسکان عشایر نقش فزاینده ای در رشد باسوادی آنان داشته است.

مطالعات نشان داد پیش از اسکان زمینه و بستر سوادآموزی از سوی عشایر (چه زن و چه مرد) بسیار محدود بوده و عدد ۳۲ درصدی افراد باسواد، گویای این امر می باشد. در مقابل، رسیدن این عدد به ۷۹/۸ درصد در سال ۱۳۸۸ مبین رشد کمی افراد باسواد جامعه عشایری است. اما بررسی علل اختلاف رقم باسوادان در مقاطع مختلف تحصیلی پس از اسکان، حاکی از نگرش تبعیضی میان زن و مرد بوده که می توان گفت اسکان اثر مستقیم و فزاینده ای که ناشی از تحولات سطح فرهنگی و اعتقادی باشد، در رشد باسوادی میان جامعه عشایری نداشته است. در واقع رشد کمی باسوادان نسبت به قبل بیشتر متأثر از روند موجود در جامعه بوده و اسکان نقش غیرمستقیمی را ایفا نموده است.

فرضیه سوم: اسکان عشایر باعث بهبود در دسترسی به امکانات رفاهی شده است. طبق بررسی‌ها ۸۹٪ از جامعه مورد مطالعه، دسترسی به انواع امکانات رفاهی از قبیل بهداشتی، آموزشی و خدماتی در محل زندگی را نسبت به قبل از اسکان در نازدشت، زیاد و خیلی زیاد ارزیابی نموده اند. در کنار آن، رضایت ۹۵٪ افراد جامعه از امکانات نیز دال بر بهبود در امکانات رفاهی متاثر از اسکان می باشد.

### نتیجه گیری

در چهارچوب دیدگاه نوسازی اجرای طرح‌های اسکان در بین عشایر نوعی خیزش و گذار از جامعه‌ای سنتی به مدرن و توسعه یافته محسوب می‌گردد. به بیان دیگر اسکان عشایر به دنبال ارتقاء بهره‌وری اقتصادی در میان عشایر، افزایش سطح سواد آنان، برقراری عدالت اجتماعی و مواردی از این دست می‌باشد. براساس این پژوهش، اسکان عشایر در نازدشت تغییر و تحولات مثبت و منفی ای را در پی داشته است.

اسکان عشایر در نازدشت، منجر به تحولی اساسی در تنوع شغلی و ایجاد اشتغالات پایدار و دارای منزلت اجتماعی مناسب نگردیده است. درآمد به‌عنوان اساس فعالیت های اقتصادی خانوار در نظام‌های اجتماعی گوناگون، در درون جامعه عشایری نازدشت نسبت به مقطع قبل، نه تنها رشد و تحولی در راستای توسعه نداشته بلکه به نتیجه عکسی دچار گردیده است.

به تبع تغییرات مذکور پیامدهای دیگری چون کاهش پس‌انداز خانوارها، کاهش تولید سرمایه در بین عشایر اسکان یافته، ضعف در توان‌مندی‌سازی و کاهش توان سرمایه‌گذاری آنان در فرصت‌های شغلی جدید و یا ایجاد تحول مطلوب در نظام شغلی کنونی، اتکای این بخش از جامعه به حمایت‌های دولتی، فقر و مهاجرت به شهرها در برداشته و یا خواهد داشت. به بیان کلی می‌توان گفت از بعد اقتصادی عشایر اسکان یافته بیشتر متضرر گردیده اند تا منتفع.

در نتیجه‌ی اسکان برخی از شاخص‌های اجتماعی چون دسترسی به خدمات رفاهی از سوی عشایر روند مطلوبی را نشان می‌دهند که این خود نیز به بهبود وضعیت سواد نیز کمک نموده است. به عبارتی اسکان به طور غیرمستقیم و از جنبه تامین برخی نیازهای آموزشی در ارتقا سواد نقش داشته است. به نظر می‌رسد ارتقاء سواد در این جامعه بیشتر به لحاظ کمی بوده و از جنبه کیفی که بتواند عاملی چون فرهنگ آنان را به سطح بالاتری برساند، نقش کمتری داشته البته اثبات قطعی این پیش فرض نیازمند تحقیقی دیگر در این راستا می باشد. همچنین وجود ناهمگنی مذهبی در میان عشایر نازدشت یکی دیگر از یافته‌های جنبی تحقیق بوده است.

در نهایت می‌توان گفت اقدامات کارشناسی و یا هدف‌گذاری اجرای طرح اسکان عشایر در نازدشت ضعیف بوده است که با ادامه روند کنونی دستیابی به هرگونه توسعه و تغییر و تحول اساسی در راستای آن ممکن نخواهد بود. نقد دیگری که بر تداوم این وجود دارد را می‌توان در قالب این سوال مطرح ساخت که آیا با تحولات اجتماعی و بیشتر از نوع دسترسی به امکانات و خدمات در کنار رکود بعد اقتصادی، این امکان وجود نداشته که فشار اقتصادی بر دوش خانوار در نتیجه استفاده از خدمات افزایش یابد؟

از این رو پیشنهاد می‌گردد که آموزش‌های ترویجی در حوزه فرهنگی، و فعالیت‌های اقتصادی به منظور افزایش سطح فرهنگ جامعه و ارتقاء بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی برای افزایش توان اقتصادی آنان صورت پذیرد. به‌علاوه

حمایت های مالی و فنی دولت از خانوارهای عشایری در زمینه فعالیت های اقتصادی متعدد و بویژه دامپروری، به جهت وجود تجربه قبلی، افزایش یابد.

### منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۹). جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران. تهران: انتشارات اطلاعات،
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰). مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی. تهران: انتشارات اطلاعات،
- ازکیا، مصطفی. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشرنی،
- اولیائی، اسماعیل (۱۳۶۹). بررسی اقتصادی اجتماعی اسکان عشایر، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، انتشارات سازمان امور عشایر ایران.
- باژیان، غلامرضا. اسماعیل داهلان، علی اکبر مهربانی و محمد شاه وحید (۱۳۸۵). مقایسه اقتصادی کوچ و اسکان عشایر در دشت بکان استان فارس، فصلنامه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، شماره ۳، ۲۶۴-۲۴۸.
- بخشنده، نصرت (۱۳۷۴). زمینه های اشتغال در اسکان عشایر، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره های پیاپی ۶-۷-۸.
- بهشتی، محمد باقر (۱۳۷۷). دیدگاه عشایر آذربایجان شرقی در مورد کوچ و اسکان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۶۶.
- پاپلی یزدی، محمد حسین. ابراهیمی، محمد امیر (۱۳۸۶). نظریه های توسعه روستایی. تهران: سمت،
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷). توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول. ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران: سازمان برنامه و بودجه،
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۷). نظریه های جامعه شناسی. تهران: انتشارات سمت،
- توکلی، جعفر. ضیاءتوانا، محمد حسن (۱۳۸۸). پیامدهای فضایی اسکان عشایر در استان چهارمحال بختیاری، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱.
- حسینی ابری، سید حسن (۱۳۷۳). مروری بر منطقه کوهرننگ در رابطه با اسکان عشایر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۵.
- حیاتی، ابراهیم (۱۳۶۹). چشم اندازی به فردای عشایر، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، انتشارات سازمان امور عشایر ایران.
- رضوانی، محمدرضا. دریکوند، مسلم (۱۳۸۷). بررسی و ارزیابی کانونهای ساماندهی و اسکان عشایر-آثار و پیامدها: مطالعه موردی کانون کمری شهرستان ازنا، دوماهنامه جهاد، شماره ۲۷۹.
- رفیع فر، جلال الدین. قربانی ریگ، رضا (۱۳۸۶). تغییرات فرهنگی از کوچ به اسکان- نمونه موردی عشایر تالش در طول سه نسل، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۱.
- زند رضوی، سیامک (۱۳۷۲). ایلات و عشایر کرمان: پیشینه تاریخی و مسئله اسکان، مجله علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۴.
- سو، آلوین. ی (۱۳۸۰). تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی،
- شاهنوشی، مجتبی (۱۳۶۹). اسکان عشایر: ضرورت واقعیت، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، انتشارات سازمان امور عشایر ایران.

- ضیاءتوانا، محمد حسن. توکلی، جعفر (۱۳۸۶). اسکان عشایر و تخریب مراتع در استان چهارمحال بختیاری، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۲.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۶). اسکان عشایر و توسعه و بهبود حیات اجتماعی آنان در ایران، مطالعه موردی طایفه وری علی نظر در استان ایلام، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲.
- فال سلیمان، محمود (۱۳۸۸). مطالعات پایش و مانیتورینگ اقتصادی و اجتماعی پروژه بین‌المللی ترسیب کربن دشت حسین آباد غیناب، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان خراسان جنوبی.
- قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۷۸). عشایر دشت مغان از کوچ روی تا اسکان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۱.
- کرمی، عزت ا... فنایی، سید ابوطالب (۱۳۷۳). بررسی نظریه پردازیها در ترویج، ج ۱، جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- کفیل زاده، فرخ. علی اسمعیلی زاده و مهدی سیدان (۱۳۸۱). اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان یافته - مطالعه موردی ایل کرد، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۸.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۳). جامعه شناسی توسعه. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور،
- محمود آبادی، محمد رضا. هراتی، داود (۱۳۸۹). برآورد میزان ترسیب خاکی کربن در مراتع شرق ایران - نمونه موردی دشت حسین آباد غیناب، اولین همایش ملی کویر فرصت ها و تهدیدات و تاثیر آن بر امنیت پایدار.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن، از سایت:  
<http://www.amar.org.ir/fofos1385/default-778.aspx>
- مشیری، سید رحیم، مولایی هشتجین، نصر... (۱۳۸۶). اقتصاد کوچ نشینان ایران. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور،
- معاونت برنامه ریزی استانداری خراسان جنوبی (۱۳۸۴). نقشه های رقومی استان خراسان جنوبی.
- مهدوی، مسعود. پژمان رضایی و مجتبی قدیری معصومه (۱۳۸۶)، روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش های آن، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱.
- واگو، استفان (۱۳۷۲). درآمدی بر تئوری ها و مدل های تغییرات اجتماعی. ترجمه احمد غروری زاده. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی،

Abraham, Francis M. (1998), Perspective on Modernization: Toward a General Theory of Third World Development . New York: Free Press.

Moor, Wilbert. E. (1963), Social Change. Englewood Cliffs, New Jersey Prentice Hall, Inc.

Ward, Robert (1963), "Political modernization". World Politics. Vol. 15, No. 5, oct.